

مطالعه مدارای دینی اهل تشیع و اهل تسنن شهر زاهدان و عوامل مؤثر بر آن

مهناز فرهمند^۱

میلاذ درخشانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۹

چکیده

مدارای دینی و علل افزایش یا فرسایش آن، در جهانی آکنده از تنوع قومی، مذهبی و... به لحاظ نظری و تجربی به وضوح مشهود است. هدف این مقاله بررسی مدارای دینی بین دو گروه شیعه و سنی شهر زاهدان و عوامل مؤثر بر آن است. روش تحقیق پیمایش، و ابزار گردآوری آن پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق همه مردان و زنان ۱۸ سال به بالای شهر زاهدان است که با فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از آن‌ها برای مطالعه تعیین شدند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. نتایج نشان داد میانگین مدارای دینی ۶۲/۸ است که بر مبنای مقیاس صفر تا صد بالاتر از حد متوسط است. میانگین مدارای دینی پاسخگویان در ابعاد همزیستانه، خویش‌دارانه و نسبی‌گرایانه به ترتیب معادل ۶۴/۸، ۶۶/۴ و ۵۷/۴ بوده است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که مدارای دینی با سرمایه اجتماعی و تعلق ملی رابطه مستقیم، و با قوم‌گرایی رابطه منفی دارد. نتایج تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد متغیرهای سرمایه اجتماعی، تعلق ملی، قوم‌گرایی و سن ۲۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. همچنین برازش مدل مطلوب بود که گویای تطابق آن با واقعیت است.

واژه‌های کلیدی: تعلق ملی، زاهدان، سرمایه اجتماعی، قوم‌گرایی، مدارای دینی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) farahmandmh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد derakhshanmilad@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

وقوع درگیری‌های مذهبی طی سالیان اخیر نشان داده است که گرچه اندیشه تساهل‌ورزی^۱ به ادیان و مذاهب، ریشه‌ای چندصدساله دارد، در عرصه عمل، همچنان تعصب مذهبی این قابلیت را دارد که مبنایی برای خشونت‌ورزی باشد. تساهل مذهبی^۲ نگرش یا رفتاری است که تمایل دارد تا تفاوت‌های مذهبی در جامعه، بدون تعصب یا تبعیض به رسمیت شناخته شود و حقوق یکسانی برای تمامی آن‌ها وجود داشته باشد (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). امروزه ترویج چنین دیدگاهی نیاز جوامعی است که در آن‌ها مذاهب گوناگون وجود دارد. به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که نحله‌های فکری و عقیدتی متفاوتی حضور دارند، آسایش تک‌تک افراد آن جامعه، بستگی زیادی به میزان مدارایی دارد که این افراد در برابر عقاید گوناگون و گاهی متضاد، از خود بروز می‌دهند. بدین ترتیب، مدارا راهی اساسی برای زندگی در چنین جامعه‌ای است (اولتویس، ۲۰۱۲).

در جوامعی که افراد به لحاظ مذهبی و قومی متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، اگر اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد؛ بنابراین در جوامع پیچیده و در حال تغییر، مدارا امری گریزناپذیر است. ویلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف عقاید اخلاقی، مذهبی و سیاسی متعارض داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل امری ضروری خواهد بود (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲: ۸). بدین ترتیب، مدارا و تحمل گروه‌ها در همه ابعاد اجتماعی، ساسی، دینی و... واجد اهمیت می‌شود.

به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران عوامل متعددی در کاهش مدارا تأثیرگذارند. محدودیت مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی و توسعه نابرابری، تحقیر و نادیده‌انگاری هویت‌های قومی، ناآگاهی، اختلافات مذهبی و داشتن نگرش‌های قالبی اقوام به یکدیگر، از جمله عوامل مؤثر بر کاهش مدارای مذهبی به‌شمار می‌روند.

کشور ما از جمله کشورهایی است که مرزهای سیاسی آن بر مرزهای فرهنگی و اجتماعی‌اش منطبق نیست و به همین جهت گروه‌های قومی و مذهبی زیادی را در خود جای

-
1. Tolerance
 2. Religious tolerance

داده است. به عبارت دیگر، در ایران با گروه‌های قومی-مذهبی و مناطق مختلف جغرافیایی-فرهنگی روبه‌رو هستیم که از سنت‌های فرهنگی و احساسات هویتی خاص بر پایه مشترکات نژادی، زبانی، ادبیات یا حداقل محل سکونت یا سرزمین برخوردارند که آن‌ها را به‌عنوان گروه فرعی از جامعه بزرگ‌تر متمایز می‌کند. همین گوناگونی و تنوع در جامعه ایرانی، امکان و پتانسیل مدارا و برقراری آن را به انحای مختلف متأثر ساخته است (پورسعید، ۱۳۸۶: ۳۵).

منطقه مرزی سیستان و بلوچستان به دلیل دورافتادگی از سایر کلان‌شهرهای مرکزی بیش از هر نقطه دیگر مورد غفلت واقع شده است. ناامنی این منطقه، گسترش فعالیت‌های سودآور غیرقانونی و نبود تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد از یک سو و جدایی‌گزینی فرهنگی به دلیل وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی در آن از سوی دیگر، موجب عقب‌ماندن این منطقه از روند توسعه کشور شده است. از سوی دیگر، گسترش فعالیت‌های متأثر از دخالت عوامل خارجی نظیر تحرکات تروریستی گروه‌های جندالله، تفکرات انحرافی و رویکردهای ضدشیعی وهابیت، القاعده و طالبان که سعی در ترور اشخاص و گروه‌های مردمی دارند، همگی به‌نوعی از انگیزه‌های شخصی، انتقام‌جویانه، مذهبی و قومی نشئت می‌گیرند؛ بنابراین، ملغمه‌ای از این عوامل، استان سیستان و بلوچستان را در معرض تنش‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی قرار داده است. به نظر می‌رسد در این شرایط، تقویت و افزایش مدارای مذهبی با تأکید بر مشارکت سیاسی و اجتماعی گسترده و برخورداری از برابری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، جزء ضروریات اساسی محسوب می‌شود تا همزیستی مسالمت‌آمیز میان مذاهب و اقوام در این ناحیه را تداوم بخشد. بر همین مبنا، هدف از این پژوهش، بررسی میزان مدارای دینی اهل تشیع و اهل تسنن شهر زاهدان و عوامل آن است.

ادبیات نظری تحقیق

مدارا یکی از راه‌ها برای اداره تضادهای برخاسته از تفاوت‌های بین افراد و گروه‌هاست. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در برخی جوامع، این روش از نظر تاریخی مرسوم نبوده است. در واقع در چنین جوامعی، اغلب به تفاوت عقاید با تعصب اقتدارگرایانه^۱ پاسخ داده‌اند.

1. Authoritarian Dogmatism

ریلتون بیان می‌کند که مدارا به‌عنوان پاسخی به تفاوت‌ها، میان مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی^۱ قرار دارد. نسبی‌گرایی از این جهت که معتقد است حقیقت به‌صورت کامل در اختیار هیچ دیدگاهی نیست، حامی اندیشه مداراست. از این منظر، اعتقاد به مدارا نیازمند صحنه‌گذشتن بر نسبی‌گرایی است (دنيس بیټس، ۲۰۰۷: ۴).

قادری مدارا را به سه نوع تقسیم کرده است:

مدارا براساس مصلحت بیرونی: در گونه اول، فرد از سر مردم‌داری با دیگران مدارا پیشه می‌کند. می‌توان گفت این نوع مدارا هرچند می‌تواند پدیده‌ساز باشد، عمق و شدت آن اندک است.

مدارا براساس حق دگراندیشی: نوع دوم مدارا بر این باور است که دیگران از حق دگراندیشی برخوردارند. در چنین گونه‌ای، مدارا نه تنها دامنه‌دار است که در عمق نیز حرکت می‌کند و شدت می‌یابد.

مدارا براساس هم‌ارزی ابتدابه‌ساکن: گونه سوم از مدارا وضعیتی است که طرف‌های برخوردار نه تنها حق دگراندیشی دارند، بلکه حتی این امکان وجود دارد که دگراندیشی آن‌ها پس از بررسی و تحقیق، گونه برتری یا برترین نیز شناخته شود.

به‌طورکلی می‌توان گفت مدارای نوع اول محدود به رفتارها و هنجارهای ارتباطی است. مدارای نوع دوم، افزون بر اعمال در هنجارهای ارتباطی از پذیرش حق برای دیگری هم برخوردار است، هرچند معتقد به برتری آموزه و باور خود است؛ و بالاخره نوع سوم برتری آموزه و باور خود را منوط به سنجش و پژوهش دیگر باورها به‌طور روشمند می‌داند (قادری، ۱۳۷۶).

فرضیه تماس آلپورت

گروودن آلپورت، نظریه‌پرداز آمریکایی، نخستین کسی بود که فرضیه تماس^۲ را مطرح کرد. فرضیه آلپورت بیان می‌کند که در وضعیتی خاص، تماس با اشخاص بیرون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد. از عواملی که به افزایش مدارا منجر می‌شود، ارزیابی مثبت از این تماس‌ها به‌وسیله نهادهایی مثل مدارس و شرکت‌ها یا به‌وسیله حکومت است.

1. Relativism
2. Contact hypothesis

آپورت پس از طرح نظریه تماس، به شرایط و فضای مورد نیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره می‌کند. شرایطی که آپورت مطرح می‌سازد، بدین قرار است:

۱. ارتباط متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها؛
 ۲. جایگاه برابر بین اعضای یک گروه اقلیت و یک گروه اکثریت در پیگیری اهداف مشترکشان؛
 ۳. حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین گروهی؛
 ۴. ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند.
- درنهایت می‌توان گفت آپورت مشارکت، برابری، حمایت نهادی و فرصت‌سازی را شروطی می‌داند که به توسعه روابط بین گروهی و افزایش مدارا منجر می‌شود (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۱).

نظریه کنش ارتباطی هابرماس

یورگن هابرماس در تئوری کنش ارتباطی، کنش معقولانه و هدف‌دار (وسیله‌ای) و کنش ارتباطی را مطرح می‌کند. هدف کنش معقولانه و هدف‌دار رسیدن به یک هدف، اما غایت کنش ارتباطی^۱ دستیابی به تفاهم ارتباطی است (ریتزر، ۱۳۸۹: ۲۱۱). در کنش ارتباطی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۱). هابرماس بیان می‌کند که با توجه به نقش زبان در حل منازعات، «مباحثه عقلانی»^۲ به تمامی مناسبات روزمره ما ایمنی می‌بخشد. از همین روی است که دموکراسی بیش از آنکه نیازمند مشارکت صوری شهروندان در انتخابات عمومی باشد، محتاج مشارکت برابر و همگانی آنان در مباحثات عمومی است. هدف اصلی دموکراسی این است که نزاع اندیشه‌ها را جایگزین نزاع دشمنان کند. در نزاع دشمنان، انسان‌ها کشته می‌شوند و در نزاع اندیشه‌ها، انسان‌ها آگاهی می‌یابند. خشونت که جزء لاینفک مناسبات انسانی است، به مدد بحث و تبادل نظر همگانی خنثی می‌شود. مدارای دینی به معنای بی‌اعتنایی به اعتقادات شخصی و جمعی نیست. لازمه مدارای دینی آن است که

1. Communicative action
2. Rational discussion

مراجع حکومتی نیز به اندازه شهروندان خویشتن‌داری کنند و از شیوه‌های خشونت‌آمیز برای حفظ و گسترش نگرش دینی، هرچقدر هم که آن نگرش مقدس باشد، استفاده نکنند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام

سلطه فعلی مفهوم سرمایه اجتماعی از آن رابرت پاتنام است. پاتنام معتقد است که به‌طور درونی، انجمن‌ها و شبکه‌های کمتر رسمی مشارکت‌های مدنی، عادات همکاری، روحیه جمعی و مهارت‌های عملی لازم برای شرکت در زندگی جمعی را به اعضای خود القا می‌کنند. آن‌ها همچنان که عادات دموکراتیک را القا می‌کنند، فرصتی برای یادگیری سجایای مدنی از قبیل مدارا هستند. او حضور در انجمن‌های داوطلبانه را موجب افزایش تساهل می‌داند؛ زیرا این انجمن‌ها افراد دارای نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را گرد هم می‌آورند و سبب می‌شوند تا نگرش‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارض دیدگاه‌ها کاهش یابد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۸). وی همچنین بیان می‌کند که اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مداراست و همراه با هنجارهای همیاری و شبکه‌ها، ابعاد سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۹).

پاتنام در اثر خود «بولینگ تنها»^۱ بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی چندین منفعت در پی دارد که از جمله آن‌ها این است که سرمایه اجتماعی افراد را از عوامل عدیده‌ای که در ارتباط با سرنوشت آنان است، آگاه‌تر می‌سازد و از جمله این عوامل می‌توان به همزیستی مسالمت‌آمیز، کشمکش‌های بدون خشونت و... نام برد (ویتام، ۲۰۰۷: ۹۸).

نظریه وطن‌دوستی مولر

جان مولر نظریه خود را از نوشته‌ها و افکار و آرای هابرماس درباره وطن‌دوستی قانونی و نظریه مهم مدرن‌شدن و عقلانی‌شدن استنباط کرده است. از دید مولر، وطن‌دوستی قانونی، نظریه نوین شهروندی و تعهد مدنی برای جوامع دموکراتیک است. مقصود از وطن‌دوستی قانونی به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهایی که شکلی از دموکراسی لیبرال از قانون را قوت

می‌بخشند، ایجاد برابری و آزادی برای شهروندان است که سبب می‌شود شهروندان در چنین جامعه‌ی آزاد و برابری یکدیگر را قبول داشته باشند و تأیید کنند و با نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز و مدارا با یکدیگر رفتار کنند (مولر، ۲۰۰۷: ۱). وی می‌گوید زمانی که در کشوری اقلیت‌ها احساس کنند که با آن‌ها به‌صورتی ناعادلانه رفتار شده، ممکن است با تصمیمات اکثریت مخالفت کنند. در این میان، وطن‌دوستی و احساس تعلق به وطن، راه‌حل مؤثری هم برای اکثریت و هم برای اقلیت آن کشور خواهد بود. در مورد اکثریت، این احتمال وجود دارد که موضعی بی‌طرف اتخاذ کنند و اقلیت‌ها را به چشم افرادی نبینند که منافعشان را می‌توان در جریان تصمیم‌گیری‌ها ضایع شمرد. اقلیت‌ها نیز در این شرایط، با اطمینان از اینکه در جامعه پذیرفته شده‌اند و می‌توانند در کنار اکثریت، نقشی اثرگذار در جامعه ایفا کنند، از وطن‌دوستی مشترک حفاظت خواهند کرد و به آن تعهد نشان خواهند داد. چنین وضعیتی سبب همزیستی مسالمت‌آمیز و رفتار توأم با مدارا در اقلیت و اکثریت جامعه خواهد شد (مولر، ۲۰۰۸: ۴).

پیشینه تجربی تحقیق

شهریاری و همکاران (۱۳۹۴) با «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی» در میان ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد دریافتند که تساهل مذهبی اهل تسنن سنی که بیشترین قرابت را با شیعه دارد، دارای کمترین میانگین مداراست و از دلایل عمده این کمبود تساهل دینی، اندک بودن روابط اجتماعی افراد اهل سنت با بیرون از دایره نزدیکان است. آنان نتیجه گرفتند که سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا اطلاعات و آگاهی فرد از جریان‌های موجود در جامعه افزایش پیدا کند و به تبع آن، تساهل بیشتری از خود بروز دهد.

گلایی و رضایی (۱۳۹۲) با «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان» در میان ۳۰۷ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشگین‌شهر در استان آذربایجان شرقی نشان دادند میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی دارای همبستگی مستقیم و معنادار است. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که در میان متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر مستقیم معناداری بر مدارای اجتماعی داشته است.

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) در «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و

پیامدهای مدارا» در میان ۷۰۱ خانواده شیرازی به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده، دارای رابطه‌ای معنادار با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌هاست. عسگری و شارع‌پور (۱۳۸۸) با گونه‌شناسی مدارا و سنجش در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی نشان دادند که میزان مدارای دینی (با مسیحی‌ها) فراوان است؛ به طوری که فقط ۴ درصد پاسخگویان مدارای دینی اندک و بسیار اندک دارند. از دیدگاه آنان، پذیرش و مدارا با افرادی که هویت قومی و مذهبی متفاوتی دارند، تا حدی کمتر از سایر انواع مدارای اجتماعی است.

کاسمو و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در «مدارای دینی در مالزی: مطالعه تطبیقی بین گروه‌های مذهبی مختلف» به بررسی میزان مدارای دینی پیروان چهار دین اسلام، بودا، هندو و مسیحیت در میان ۲۴۰۰ نفر از مردان و زنان ۱۸ تا ۴۵ ساله مالزیایی پرداختند. یافته‌های تحقیق آنان بیانگر مدارای دینی کمتر مسلمانان در مقایسه با سایر ادیان است. آنان یکی از علل این امر را پافشاری زیاد مسلمانان در عمل به برخی آموزه‌های دینی خود بیان کردند. همچنین از دیدگاه آن‌ها، علت مدارای دینی بالای برخی از مالزیایی‌ها فشار دولت به پیروان مذاهب برای به اشتراک گذاشتن مناسک مذهبی خود با سایر ادیان است که سبب حفظ و تقویت هویت ملی شهروندان می‌شود.

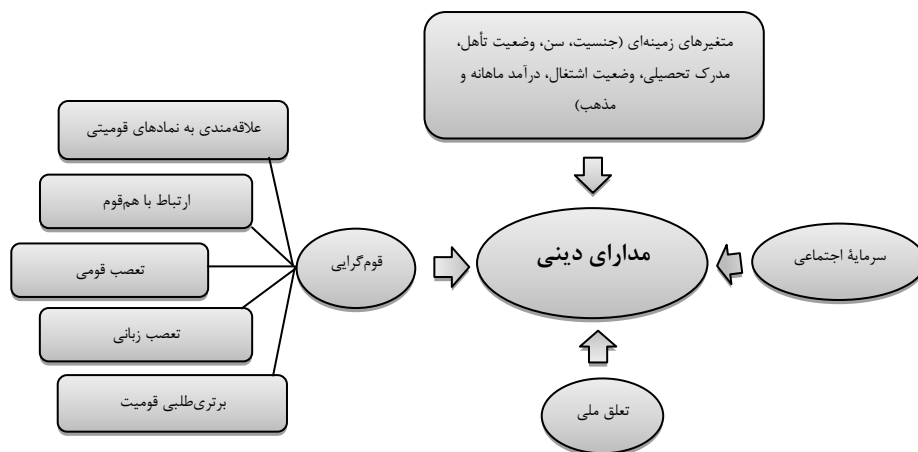
ژان مت (۲۰۱۰) عوامل مختلف نگرش مدنی را در میان محصلان برخی مدارس اروپا (انگلستان، سوئد و آلمان) بررسی کرد و به این نتیجه رسید که هرچه میزان تنوع به لحاظ قومی، نژادی، طبقاتی، ملیتی و... در مدارس زیاد باشد، نگرش‌های مدنی، در میان محصلان این مدارس بیشتر شکل می‌گیرد و متعاقب آن، مدارا و تفکر مشارکتی در میان آنان به وجود می‌آید.

کوت و اریکسون (۲۰۰۹) در مطالعه «روشن کردن ریشه‌های مدارا» به این نتیجه رسیدند که مکان زندگی، ویژگی زمینه‌ای مهمی در مدارای افراد است. آن‌ها بیان کردند که ساکنان مناطق شهری مدارای بیشتری دارند؛ زیرا ساکنان شهرها فرصت بیشتری برای یادگیری درمورد تفاوت‌های دیگران دارند. همچنین اظهار داشتند که تحصیلات یکی از مهم‌ترین عواملی است که همبستگی زیادی با مدارا دارد.

ایکادا و ریکی (۲۰۰۹) در مطالعه «تأثیر گوناگونی در شبکه‌های اجتماعی غیررسمی بر روی مدارا در ژاپن» به بررسی نقش تعامل اجتماعی متنوع در زندگی روزمره و متعاقب آن، مدارا در گروه‌های اجتماعی در کشورهای از جمله ژاپن و آمریکا پرداختند. آنان در این تحقیق، به این نتیجه دست یافتند که ارتباط با گروه‌ها و افراد متفاوت و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع، رابطه مثبت و معناداری با میزان مدارا دارد.

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی از جمله عواملی است که محققان مختلف را بر آن داشته تا تأثیر آن را بر مدارای دینی بسنجند. در واقع، سرمایه اجتماعی کمک می‌کند فرد به ادیان و مذاهب دیگر نگرش بهتری داشته باشد که این امر حاصل مباحثه و درگیر شدن افراد در شبکه‌ای از ارتباطات و مشارکت آن‌ها در کنش‌های جمعی است. بدین ترتیب، با استناد به آرای پاتنام در پژوهش حاضر، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدارای دینی بررسی می‌شود. همچنین مولر می‌گوید زمانی که در کشوری اقلیت‌ها احساس بی‌عدالتی کنند، با تصمیم‌های اکثریت به مخالفت برمی‌خیزند و همین امر سبب مدارانکردن آن‌ها خواهد شد. وی بر این باور است که وطن‌دوستی و احساس تعلق به وطن، راه‌حل مؤثری برای این افراد است؛ بنابراین، با استناد به آرای مولر، دیگر متغیری که قرار شد تأثیر آن بر مدارای دینی سنجیده شود، تعلق ملی است. همچنین دیدگاه مولر، مبنی بر اینکه اقلیت‌های یک کشور همواره در جهت خلاف آرای اکثریت در حرکت‌اند، و نیز با استناد به فرضیه تماس آلپورت، بررسی تأثیر متغیر قوم‌گرایی بر مدارای دینی مطمح نظر قرار گرفت. علاوه بر این، در این پژوهش متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال و گروه‌های درآمدی نیز انتخاب شدند.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین سن و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۲. بین وضعیت تأهل و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۳. بین تحصیلات و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۴. بین وضعیت اشتغال و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۵. بین گروه‌های درآمدی در برخورداری از مدارای دینی تفاوت معنادار وجود دارد. ۶. بین مذهب و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۷. بین سرمایه اجتماعی و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۸. بین تعلق ملی و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد. ۹. بین قوم‌گرایی و برخورداری از مدارای دینی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق، در رویکرد کمی پیمایش است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مردان و زنان ۱۸ سال به بالای شهر زاهدان است که براساس مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، مساوی با ۳۸۰،۲۶۰ بوده است (درگاه ملی آمار). با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد و با احتساب پرسشنامه‌های مخدوش احتمالی تعداد ۴۰۰ نمونه انتخاب شدند. با توجه به آمار استنادی مبنی بر نسبت مساوی شیعه و سنی در جامعه آماری، این میزان در نمونه حاضر به صورت

برابر لحاظ شده است. همچنین در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم (PPS) استفاده شد. بدین‌صورت که ابتدا مناطق پنج‌گانه زاهدان، به‌عنوان پنج خوشه اصلی در نظر گرفته شدند. در مرحله بعد، خیابان‌ها و میدان‌های اصلی هر منطقه از شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد و در مرحله آخر به روش اتفاقی، پاسخگویان در جلوی درب منازل خود سنجش شدند. در بخش یافته‌های استنباطی، برای به‌دست‌آوردن میزان مدارای دینی، از آزمون اف، آزمون مقایسه میانگین‌ها، تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

سرمایه اجتماعی: تعریف اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی از آن رابرت پاتنام است. او در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی با دموکراسی، علاوه بر تأثیرات بیرونی (تأثیر بر کارآمدی حکومت‌ها) به تأثیرات درونی سرمایه اجتماعی نیز تأکید دارد و آن را عامل شکل‌گیری ویژگی‌های نگرشی و رفتاری معطوف به اجتماع در افراد از جمله مدارا می‌داند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۸-۳۳۹).

اعتماد اجتماعی: وضعیتی که در آن، افراد انتظار دارند دیگران چیزهایی را که اظهار کرده‌اند یا تعهد داده‌اند انجام دهند و هرچقدر این اطمینان ما به دیگران بیشتر باشد، سطح اعتماد افزایش می‌یابد (سهنی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

مشارکت اجتماعی: دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیردولتی دارند و در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیرساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند (مهدی‌پور خراسانی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

مشارکت مدنی: مجموعه فعالیت‌هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاه‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی است و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف، خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله‌مراتب است (مهدی‌پور خراسانی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

به نظر شارع‌پور، منظور از هنجارهای اجتماعی آن دسته از قواعد رسمی و غیررسمی است که تعیین می‌کند اعضای شبکه چگونه با یکدیگر رفتار کنند (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۶۲).

سرمایه اجتماعی در تحقیق حاضر بنا به آرای پاتنام، در چهار بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و هنجارهای اجتماعی سنجیده شد که به ترتیب هریک شامل ۱۳، ۹، ۸ و ۹ گویه بودند. همچنین میزان آلفای کرونباخ هریک از این ابعاد به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۷۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۳ بود. در مجموع، برای سنجش این متغیر، از ۳۹ پرسش در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شد. برای سنجش بعد اعتماد اجتماعی، از پرسشنامه سهندی (۱۳۹۳)، و برای سنجش ابعاد مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و هنجارهای اجتماعی از پرسشنامه مهدی‌پور خراسانی (۱۳۹۰) استفاده شد.

تعلق ملی: حس تعلق ملی به‌عنوان یک حس درگیری شخصی، در یک سیستم اجتماعی تعریف شده است و افراد، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از نظام احساس می‌کنند (هگرتی و همکاران، ۱۹۹۲: ۱۷۲). برای سنجش این متغیر از ۱۴ گویه با میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۵ در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شد. برای تعیین گویه‌ها، پرسشنامه سهندی (۱۳۹۳) به‌عنوان مرجع انتخاب شد.

قوم‌گرایی: هلمز هویت قومی را احساس تعلق فرد به یک گروه قومی می‌داند که این گروه، میراث فرهنگی، ارزش‌ها و منش‌های خاص خود را دارد (فینی، ۲۰۰۷: ۲۷۱). برای سنجش این متغیر از ۲۱ گویه استفاده شد. ابعاد قوم‌گرایی عبارت‌اند از: علاقه‌مندی به نمادهای قومیتی، ارتباط با هم‌قوم، تعصب قومی، تعصب زبانی و برتری‌طلبی قومیت. میزان آلفای کرونباخ هریک از این ابعاد به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۶، ۰/۸۲، ۰/۷۹ و ۰/۷۴ است. پاسخ‌ها در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) تنظیم شد. همچنین گویه‌ها مطابق پرسشنامه مصرآبادی و همکاران (۱۳۹۴) تعیین شدند.

مدارای دینی: رواداری مذهبی، در اصطلاح نوعی بردباری و تحمل در مقابل افکار و عقاید افراد مختلف است (اعرابی و روزبهی مفرد، ۱۳۹۳: ۵).

مدارای دینی در واقع، گرایشی رفتاری است که می‌تواند:

۱. از باب روحیه‌ای باشد که واجدین آن با وجود اختلاف نظر و در حالی که متفاوت می‌اندیشند یا عمل می‌کنند، معمولاً به قدر مشترک‌های زندگی اجتماعی و مذهبی خود تکیه می‌کنند و از سر مردم‌داری و برای حفظ مصالح، امنیت و آرامش خود، هم‌زیستی در پیش می‌گیرند.

۲. از باب نگرشی روادارانه و خویشندارانه باشد که از روی گذشت و بزرگواری به خاطر احترام به شخص و قائل به حق دگراندیشی در کردار اقراد ظاهر می‌شود، به عبارتی الگویی از کنش احترام‌آمیز و عقلانی، نسبت به افراد و گروه‌هایی است که دارای عقاید و اعمال مذهبی متفاوت یا مخالف هستند که مورد تایید و پسند فرد نیست.

۳. از باب نگرشی نسبی‌گرایانه باشد که متساهل، جایگاه یکسانی برای خود و دیگران قائل است و اذعان دارد تا زمانی که ثبوتاً حقیقت مطلقی وجود نداشته باشد یا اگر داشته باشد قابل اثبات نباشد، تمامی عقاید مذهبی از ارزش و اعتبار یکسانی برخوردار است.

با توجه به این تعریف، مدارای دینی دارای سه بعد متمایز همزیستانه، خویشتن‌دارانه و نسبی‌گرایانه است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹) که برای سنجش هریک از این ابعاد، به ترتیب از ۶، ۴ و ۶ گویه با میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۲، ۰/۷۱ و ۰/۸۱ در طیف پنج‌قسمتی (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی، کلیه متغیرهای مستقل و وابسته و شاخص‌های آن در قالب جداول فراوانی توصیف شده است. در سطح آمار استنباطی نیز با توجه به سطوح متغیرها از روش‌های آماری مناسب آن‌ها استفاده شده است. در این سطح، داده‌ها به صورت دومتغیره و چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند. برای انجام این کار از نرم‌افزار SPSS و برای برازش مدل نیز از نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

از میان ۴۰۰ شرکت‌کننده در این پژوهش، ۳۲ درصد زن و ۶۸ درصد مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۳ سال و بیانگر جوان بودن نمونه مورد بررسی است. ۲۲ درصد پاسخگویان مجرد و ۷۸ درصد متأهل‌اند. ۹ درصد نمونه تحصیلات سیکل، ۲۷ درصد دیپلم، ۱۴ درصد کاردانی، ۳۳ درصد کارشناسی، ۱۴/۵ درصد کارشناسی ارشد و ۲/۵ درصد تحصیلات دکتری و بالاتر دارند. همچنین ۶۱/۸ درصد شاغل و ۳۸/۲ درصد بیکار هستند. میانگین درآمدی پاسخگویان حدود ۲/۴ میلیون تومان است.

جدول ۱. آماره‌های پراکندگی ابعاد مدارای دینی

گویه	میانگین	انحراف معیار	مینیم	ماکسیم
همزیستانه	۶۴/۸	۲۲	۰	۱۰۰
خویشتن‌دارانه	۶۶/۴	۲۱	۰	۱۰۰
نسبی‌گرایانه	۵۷/۴	۲۲	۰	۱۰۰
مدارای دینی	۶۲/۸	۱۹/۲	۰	۱۰۰

میانگین ابعاد مدارای دینی در جدول ۱ در سه بعد همزیستانه، خویشتن‌دارانه و نسبی‌گرایانه ارائه شده است. داده‌های جدول بیانگر آن است که میانگین مدارای دینی ۶۲/۸ است که بر مبنای مقیاس صفر تا صد بالاتر از حد متوسط است. بعد نسبی‌گرایانه دارای کمترین میانگین و بعد خویشتن‌دارانه دارای بیشترین میانگین است.

ب) یافته‌های استنباطی

همان‌گونه که داده‌های تحقیق در جدول ۲ نشان می‌دهد، سه متغیر سرمایه اجتماعی، تعلق ملی و قوم‌گرایی با مدارای دینی با توجه به ($\text{sig}=0/000$) رابطه معنادار و مثبت دارند. این بدین معناست که هرچه میزان سرمایه اجتماعی، تعلق ملی و قوم‌گرایی نزد افراد بیشتر باشد، میزان مدارای دینی آن‌ها نیز فزونی می‌گیرد و بالعکس. همچنین رابطه میان دو متغیر سن و مدارای مذهبی نیز تأیید می‌شود.

جدول ۲. ماتریس همبستگی مدارای دینی و متغیرهای مستقل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
مدارای دینی	۶۲/۸	۱۹/۲				
سن	۳۶/۶۷	۱۲/۶۴	۰/۰۹۸*			
سرمایه اجتماعی	۱۱۸/۱۶	۱۸/۷۸	۰/۲۵۹**	۰/۲۱۷**		
تعلق ملی	۵۸/۳۰	۷/۹۷	۰/۲۵۴**	۰/۳۰۲**	۰/۳۶۴**	
قوم‌گرایی	۷۵/۱۰	۱۴/۰۷	-۰/۲۶۲**	۰/۲۷۶**	۰/۱۱۳*	۰/۲۹۲**

$>p^{**}0/01 >p^{*}0/05$

جدول ۳. آزمون تی مستقل مدارای دینی براساس متغیرهای مستقل

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	T	Sig
وضعیت تأهل	مجرد	۵۵/۲۲	۱۴/۷۹	۳۹۸	-۰/۶۲۴	۰/۰۰۳
	متأهل	۵۶/۱۴	۱۱/۶۲			
وضعیت اشتغال	شاغل	۵۷/۶۹	۱۰/۴۱	۳۹۸	۳/۶۴	۰/۰۰۰
	بیکار	۱۵۳	۱۴/۶۶			
مذهب	شیعه	۵۷/۰۳	۱۱/۴۷	۳۹۸	۱/۷۷۱	۰/۵۳۶
	سنی	۵۴/۸۴	۱۳/۱۹			
جنسیت	زن	۵۶	۱۲/۹۷	۳۹۸	۰/۰۰۶	۰/۹۹۵
	مرد	۲۷۱	۱۲/۱۳			

نتایج آزمون تی مستقل در جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین مدارای دینی در بین متأهل‌ها (۵۶/۱۴) بیشتر از مجردها (۵۵/۲۲) است. این تفاوت در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد شاغلان با میانگین مدارای ۵۷/۶۹ از مدارای دینی بیشتری نسبت به بیکارها با میزان ۵۷/۱۱ برخوردارند و تفاوت بین دو گروه در سطح معناداری (۰/۰۰۰) تأیید می‌شود. بین دو گروه مردان و زنان و همچنین شیعه و سنی تفاوتی در میانگین مدارای دینی مشاهده نشد.

جدول ۴. تحلیل واریانس مدارای دینی در گروه‌های تحصیلی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	Df	F	Sig
۳۶	۴۹/۳۰	۱۳/۸۸	۳۹۹	۹/۲۰	۰/۰۰۰
۱۰۸	۵۱/۱۷	۱۳/۱۴			
۵۷	۵۷/۰۵	۱۱/۰۲			
۱۳۲	۵۷/۷۹	۱۰/۹۱			
۵۸	۶۱/۸۲	۹/۶۴			
۹	۶۶/۴۴	۱۱/۵۶			
۴۰۰	۵۵/۹۴	۱۲/۳۹			
جمع کل					

نتایج آنالیز واریانس یکطرفه در جدول ۴ نشان می‌دهد میزان مدارای دینی در گروه‌های مختلف تحصیلی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تفاوت وجود دارد. بیشترین میانگین در دو گروه تحصیلی دکتری و کارشناسی ارشد و کمترین میانگین در گروه تحصیلی سیکل مشاهده می‌شود.

جدول ۵. تحلیل واریانس مدارای دینی در گروه‌های درآمدی

متغیر درآمد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	F	Sig
بدون درآمد	۱۱۴	۵۳/۲۰	۱۵/۱۹			
کمتر از ۱ میلیون	۳۱	۵۰/۵۸	۱۲/۶۰			
۱ میلیون تا ۱ پانصد هزار	۶۶	۵۵/۷۴	۱۰/۰۶			
۱ میلیون و ۵۰۱ هزار تا ۲ میلیون	۵۱	۵۸/۳۹	۹/۹۳			
۲ میلیون و ۱ هزار تا ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار	۵۱	۵۹/۰۳	۱۰/۶۰	۳۹۹	۳/۵۶	۰/۰۰۲
۲ میلیون و ۵۰۱ هزار تا ۳ میلیون	۴۴	۵۷/۱۸	۱۰/۹۱			
بالای ۳ میلیون	۴۳	۵۹/۵۱	۱۰/۹۵			
جمع کل	۴۰۰	۵۵/۹۴	۱۲/۳۹			

نتایج آنالیز واریانس یکطرفه نشان می‌دهد میانگین مدارای دینی در گروه‌های درآمدی مختلف با سطح معناداری ۰/۰۰۲ تفاوت دارد و بیشترین تفاوت بین گروه‌های درآمدی بالا و پایین مشاهده می‌شود.

جدول ۶. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون مدارای دینی

متغیر پیش‌بینی کننده	B	S.E	Beta	T	Sig	F	Sig
مقدار ثابت	۳۸/۸۰	۴/۹۳۸		۷/۸۵۹	۰/۰۰۰		
سرمایه اجتماعی	۰/۱۲۹	۰/۰۳۱	۰/۱۹۵	۴/۰۹۳	۰/۰۰۰		
تعلق ملی	۰/۴۵۲	۰/۰۷۷	۰/۲۹۱	۵/۸۷۰	۰/۰۰۰	۳۷/۴۲۱	۰/۰۰۰
قوم‌گرایی	-۰/۳۲۵	۰/۰۴۱	-۰/۳۶۹	-۷/۹۵۶	۰/۰۰۰		
سن	۰/۰۸۰	۰/۰۴۷	۰/۰۸۲	-۰/۳۸۶	۰/۰۰۰		
R	R²	Adjust R²	S.E				
۰/۴۷۶	۰/۲۲۷	۰/۲۱۹	۱۰/۹۵۶				

جدول ۶ نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام^۱ را نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود، از میان متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، متغیرهای تعلق ملی و قوم گرایی بیشترین اثر را بر متغیر وابسته مدارای دینی دارند. همچنین مطابق جدول، میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مدارای دینی ۰/۴۷ است. ضریب تبیین چهار متغیر وارد شده در رگرسیون، حدود ۰/۲۱۹ از تغییرات متغیر وابسته مدارای دینی را پیش بینی می کند. ۷۸ درصد تغییرات ناشی از عوامل تأثیرگذار دیگری است که خارج از حوزه این پژوهش است.

مدل عمومی معادله ساختاری

مدل عمومی معادله ساختاری، شکل توسعه یافته همبستگی است که هدف آن آزمون کمی مدل نظری است که رسم شد تا مشخص شود داده ها تا چه حد مدل نظری پژوهش را تأیید می کنند. البته این موضوع بیشتر به شاخص های برازش ارتباط دارد. نتایج تحلیل معادله ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS در شکل ۲ منعکس شده است.



شکل ۲. مدل عمومی معادله ساختاری مدارای دینی و عوامل مؤثر بر آن

1. Stepwise

جدول ۷. شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص	CMIN/DF	GFI	AGFI	PGFI	TLI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
مطلوب	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۵۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	کمتر از ۰/۰۸
مقدار	۳	۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۶۱	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۰۷

چنانکه ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون مدارای دینی، ابعاد همزیستانه و نسبی‌گرایانه بوده‌اند. مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارهای اجتماعی است و مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون قوم‌گرایی، تعصب قومی و تعصب زبانی است. همان‌طور که در مدل ۲ مشاهده می‌شود، میزان تأثیر قوم‌گرایی بر مدارای دینی ۰/۴۰- است که نشان‌دهنده رابطه معکوس این دو متغیر است. همچنین میزان تأثیر تعلق ملی بر مدارای دینی ۰/۳۱ است که رابطه مستقیم این دو متغیر را نشان می‌دهد. در نهایت می‌بینیم که میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدارای دینی ۰/۲۰ است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر است. برای ارزیابی نیکویی برازش از چندین شاخص استفاده شد که عبارت‌اند از: ۱. شاخص نیکویی برازش (GFI)، ۲. شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، ۳. نسبت مجذور کای به درجه آزادی (CMIN/DF) و ۴. شاخص برازش استاندارد (NFI). این شاخص‌ها متأثر از عوامل بیرونی و نامعلوم هستند تا اینکه نشان‌دهنده ضعف برازش باشند. در مقابل، شاخص‌های برازش نظیر ۱. شاخص توکر و لیوایس (TLI)، ۲. شاخص برازش این کری متال (IFI)، ۳. شاخص تطبیقی برازش (CFI)، ۴. ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA) کمتر تحت تأثیر عوامل بیرونی‌اند (کفاشی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر آن است که داده‌های پژوهش مدل مفروض تدوین‌شده را تأیید می‌کنند. به عبارتی برازش مدل مطلوب است و با واقعیت مطابقت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدارای دینی اهل تشیع و تسنن شهر زاهدان انجام گرفت. نتایج نشان داد که میانگین مدارای دینی دو گروه مذهبی ۶۲/۸ و بر مبنای مقیاس صفر تا صد

بالتر از حد متوسط است. میانگین مدارای دینی پاسخگویان در ابعاد همزیستانه، خویشتن‌دارانه و نسبی‌گرایانه به ترتیب معادل ۶۴/۸، ۶۶/۴ و ۵۷/۴ است.

همچنین مطابق نتایج، هرچه سن پاسخگویان بیشتر باشد، مدارای دینی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. این نتیجه با یافته‌های شهریار و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی ندارد، اما با یافته‌های کاسمو و همکاران (۲۰۱۵) هم‌راستا است. به نظر می‌رسد با افزایش سن، دایرهٔ بینش و تجربهٔ فرد وسیع‌تر می‌شود؛ چرا که در طول سالیان زندگی با نگرش‌های متفاوتی با جهان هستی و دیگران برخورد می‌کند. همین امر سبب افزایش تحمل فرد در برابر عوامل و عقایدی می‌شود که مخالف با عقیدهٔ فرد هستند. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهندهٔ وجود تفاوت معنادار بین افراد مجرد و متأهل از نظر میزان مدارای دینی است؛ به این صورت که متأهل‌ها بیشتر از مجردها از مدارای دینی برخوردارند.

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر میزان مدارای دینی زاهدانی‌ها تحصیلات است. نتایج نشان داد که بیشترین میانگین مربوط به مقطع تحصیلی دکتری و بالاتر و کمترین میانگین، مربوط به مقطع تحصیلی سیکل است. افراد با تحصیلات بالاتر، مدارای دینی بیشتری را نشان می‌دهند و بالعکس. بدین ترتیب، فرضیهٔ سوم تأیید شد. این نتیجه با یافته‌های وان‌درنول (۲۰۱۴) و کوت و اریکسون (۲۰۰۹) همخوانی دارد. علت آن را می‌توان در این امر جست که افزایش سطح تحصیلات به تقویت روحیهٔ پذیرش اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت منجر می‌شود، فعالیت در انجمن‌های ارادی را بیشتر می‌کند و به شبکهٔ اجتماعی افراد وسعت و تنوع بیشتری می‌بخشد. بدین ترتیب، مدارای بیشتری نیز در رابطه با دیگران حاصل می‌کند.

وضعیت اشتغال به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار در این پژوهش در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد بین وضعیت اشتغال در برخورداری از مدارای دینی، تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیهٔ چهارم تأیید می‌شود؛ به این صورت که شاغلان در مقایسه با بیکاران از مدارای دینی بیشتری برخوردارند. این نتیجه با یافته‌های افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه افراد دارای درآمد بیشتر، مدارای بیشتری از افراد کم‌درآمدتر دارند همخوانی دارد؛ چرا که در این متغیر نیز بیکاران در دستهٔ افرادی قرار می‌گیرند که در مقایسه با شاغلان درآمدی ندارند. همچنین از دیگر نتایج تحقیق حاضر، وجود تفاوت در میزان مدارای دینی در گروه‌های

درآمدی مختلف است. بیشترین تفاوت بین گروه‌های درآمدی بالا و پایین مشاهده شد. افراد با درآمد بالاتر از میزان مدارای دینی بیشتر از بقیه گروه‌های درآمدی برخوردارند. نتیجه حاضر با یافته‌های افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۰) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه هرچه افراد جامعه از رفاه بیشتری برخوردار باشند، کمتر درگیر مشغله‌های ذهنی تأمین مایحتاج زندگی هستند، با خاطری آسوده‌تر و فرصتی بیشتر، امکان مدارا را برای خود به‌وجود می‌آورند.

نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین شیعه و سنی در مدارای دینی وجود ندارد؛ بنابراین، فرضیه ششم رد می‌شود. به نظر می‌رسد از آنجا که شهر زاهدان از بدو ایجاد، محل زندگی افرادی با هر دو مذهب شیعه و سنی به‌صورت همزمان بوده و دو گروه سالیان متمادی در کنار یکدیگر زیسته‌اند و از همه آنچه حداقل از منظر محیطی، بر آنان وارد شده تقریباً به یک نسبت بهره یا ضرر دیده‌اند، از این نظر تفاوتی بین پیروان دو مذهب وجود ندارد.

از دیگر عوامل تأثیرگذار در میزان مدارای دینی، سرمایه اجتماعی است. نتایج نشان می‌دهد رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای دینی معنادار و مثبت است. براساس نظریه پاتنام، این نتیجه چندان دور از ذهن نبود؛ زیرا سرمایه اجتماعی درباره راه‌های عدیده‌ای نظیر همزیستی مسالمت‌آمیز، کشمکش‌های خشونت‌آمیز و... که سرنوشت انسان‌ها در ارتباط مستقیم با آن است، به افراد آگاهی بیشتری می‌بخشد. مطابق نظر وی، چنین آگاهی‌هایی افراد را به رفتارهایی همچون مدارا ترغیب می‌کند که برای دیگر افراد جامعه سودمندند؛ بنابراین با افزایش سرمایه اجتماعی، مدارا نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. این نتیجه با یافته‌های شهریاری و همکاران (۱۳۹۴)، شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸) و ایکادا و ریکی (۲۰۰۹) همخوانی دارد.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بین تعلق ملی و مدارای دینی رابطه معناداری وجود دارد و بدین ترتیب این فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی هرچه میزان تعلق ملی افزایش می‌یابد، مدارای دینی نیز بیشتر می‌شود. مطابق نظر مولر، وطن‌دوستی و احساس تعلق به وطن، نشان‌دهنده شکل جدیدی از یکپارچگی در جوامع معاصر است که به رفتار همزیستانه مسالمت‌آمیز می‌انجامد. این نتیجه با یافته‌های عسگری و شارع‌پور (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه بین قوم‌گرایی و مدارای دینی منفی و معنادار است؛ یعنی با افزایش قوم‌گرایی، میزان مدارای دینی کاهش می‌یابد و بالعکس. مطابق نظریه هکتر، از

آنجا که بیشتر اقوام احساس می‌کنند که در حقشان اجحاف شده و مورد تبعیض واقع شده‌اند، هرچه تمایلات قومی در این بین افزایش یابد، میزان یکپارچگی و همبستگی منطبق با کل جامعه و به تبع آن مدارا نیز کاهش می‌یابد. این نظر هکتر با نتیجه این پژوهش همخوانی دارد؛ چرا که میان قوم‌گرایی و مدارای دینی در شیعیان رابطه معناداری وجود ندارد، اما در اهل سنت، این رابطه منفی و معنادار است؛ بنابراین، با توجه به اینکه شیعه مذهب رسمی کشور است و اهل سنت اقلیت محسوب می‌شوند و بیشتر در میان اقوام غیر فارس پراکنده‌اند، می‌توان به نظریه هکتر استناد کرد. این نتیجه با یافته‌های بهشتی و رستگار (۱۳۹۱) همسو است، اما با یافته‌های ژان مت (۲۰۱۰) همخوانی ندارد.



منابع

- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر و سید صمد بهشتی (۱۳۹۱)، «مدارای اجتماعی و ابعاد آن»، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۰: ۳۷۶-۳۵۳.
- افشانی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اعرابی، غلامحسین و حکیمه روزبهی مفرد (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر مدارای مذهبی سلاطین آل بویه در گسترش تشیع و رشد جامعه شیعی، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- اکوانی، سیدحمدهالله (۱۳۸۷)، «گرایش به هویت ملی و قومی در بین عربهای خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۹: ۹۹-۱۲۷.
- بهشتی، سید صمد و یاسر رستگار (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در میان اقوام ایران»، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۴: ۷-۳۵.
- بیدل، پریناز و علی‌اکبر محمودزاده (۱۳۹۱)، «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۵: ۳۱-۶۳.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- جهانگیری، جهانگیر و حسین افراسیابی (۱۳۹۰)، «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۲: ۱۵۳-۱۷۷.
- دهمرده، معصومه؛ ناصری، مهدی و سعید جمال (۱۳۹۳)، «تهدیدات سیاسی-امنیتی وهابیت‌گرایی بر ساختار قومی-مذهبی در مناطق شرقی ایران»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی، شماره ۱: ۹-۲۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث.
- سراجزاده، سیدحسین؛ شریعتی مزینانی، سارا و سیروس صابر (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه

- میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱: ۱۰۹-۱۴۲.
- سهندی خلیفه کندی، مهناز (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد در شهرهای سنندج و تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
 - شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۹: ۱۰-۱۶.
 - شهریار، ابوالقاسم؛ خلیلی، محسن و حسین اکبری (۱۳۹۴)، «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با تساهل مذهبی (نمونه پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)»، مطالعه و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴: ۱-۳۱.
 - عاملی، سعیدنیا و حمید مولایی (۱۳۸۸)، «دووجهانی شدن‌ها و حساسیت‌های بین‌فرهنگی (مطالعه موردی روابط بین‌فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۲: ۱-۲۹.
 - عسگری، علی و محمد شارع‌پور (۱۳۸۸)، «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۲: ۱-۳۴.
 - قادری، حاتم (۱۳۷۶)، «تساهل پلورالیسم و مونیسیم»، مجله نامه فرهنگ، شماره ۲۸: ۵۴-۶۱.
 - کفاشی، مجید (۱۳۹۰)، «مدل‌سازی معادلات ساختاری شاخص‌های آموزشی و تربیتی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی به دانشگاه آزاد اسلامی»، فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی، شماره ۲: ۱۰۳-۱۲۲.
 - گلابی، فاطمه و اکرم رضایی (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۲: ۶۱-۸۶.
 - مازلو، ابراهام (۱۳۶۹)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
 - مصرآبادی، جواد؛ یارمحمدزاده، پیمان و یعقوب فیضی (۱۳۹۴)، «تعیین ابعاد هویت ملی-قومیتی و مقایسه ابعاد هویت قومی، ملی و جهانی دانشجویان قومیت‌های مختلف»،

فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، شماره ۱۰: ۲۷-۴۸.

- مهدی‌پور خراسانی، ملیحه (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد بزهکار و افراد غیر بزهکار شهر یزد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- میرلطیفی، محمدرضا؛ علوی‌زاده، سیدامیرمحمد و خورشید هدایتی امین (۱۳۹۴)، «بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی-مذهبی، مطالعه موردی: شهرستان زابل»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۹: ۵۷-۷۰.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: ایران چاپ.
- Abdul Rahman, N. F., & Khambali, K. M. (2013), "Religious Tolerance in Malaysia: Problems and Challenges", **International Journal of Islamic Thought**, No. 3: 80-91.
- Adibi Sadeh, M., Rastegar, Y., and Beheshti, S. S. (2012), "Social Circuits and Its Dimensions", **Social Welfare Research Quarterly**, No. 50: 353-376. (*In Persian*)
- Afshani, A. (2002), **Investigating Political Tolerance in Student Organizations**, MSc Thesis, Allameh Tabataba'i University. (*In Persian*)
- Akwani, S. H. (2008), "Tendency to National and Ethnic Identity among Arabs in Khuzestan", **National Studies Quarterly**, No. 9: 99-127. (*In Persian*)
- Ameli, S., and Mawlai, H. (2009), "Dual-Culturalism and Intercultural Sensitivities (Case Study of Sunni and Shiite Intercultural Relations in Golestan Province)", **Cultural Research Quarterly**, No. 2: 1-29. (*In Persian*)
- Arabi, Gh. H., and Roozbeh Mofrad, H. (2014), **Investigating the Impact of the Religious Tolerance of the Al-Bouwy Sultans on the Shiite Expansion and the Development of Shiite Community**, MSc Thesis, Qom University. (*In Persian*)
- Asgari, A., and Shararepour, M. (2009), "Typology of Tolerance and Its Measurement among Students of the Social Sciences Faculties of Tehran University and Allameh Tabataba'i", **Journal of Cultural Research**, No. 2: 1-34. (*In Persian*)
- Beheshti, S. S., and Rastegar, Y. (2013), "Sociological Explanation of Social Tolerance and Its Dimensions among Iranian Ethnicity", **Iranian Social Issues**, No. 4: 7-35. (*In Persian*)
- Bidel, P., and Mahmoudzadeh, A. (2012), "Investigation of the Social Attitude of Iranian People to Iranian Society and its Relation to Social Confidence and Individualism - A Case Study of Mashhad", **Journal of Cultural Research**, No. 5: 31-63. (*In Persian*)
- Brown, K. M. (2006), **Aspects of Comparative Active Citizenship, the Australia and New Zeland**, Third Sector Research, Eight Biennial Conferences, 26-28 November.

- Cote, R. R., and Erickson, B. H. (2009), "Untangling the Roots of Tolerance", **American Behavioral Scientist**, No. 12: 1664–1689.
- Dahmardeh, M., Naseri, M., and Jamal, S. (2014), "Political-Security Threats and Wahhabism on Ethnic-Religious Structure in Eastern Regions of Iran", **Quarterly Journal of Law Enforcement**, No. 1: 9–24. (In Persian)
- Dennis, Y. (2007), **Tolerating on Faith: Locke, Williams, and the Origins of Political Toleration**, Dissertation, Duke University.
- Ghaderi, H. (1997), "Tolerance of Pluralism and Monism", **Journal of Culture**, No. 28: 54–61. (In Persian)
- Golabi, F., and Rezaei, A. (2013), "Investigating the Impact of Social Participation on Social Tolerance among Students", **Social Studies and Research in Iran**, No. 2: 61–86. (In Persian)
- Habermas, J. (2005), **Theory of Communication Practice**, Translated by K. Pouladi, Tehran: Iran Publishing. (In Persian)
- Hagerty, B. M., Lynch-Sauer, J., Patusky, K. L., Bouwsema, M., and Collier, P. (1992), "Sense of Belonging: A Vital Mental Health Concept", **Archives of Psychiatric Nursing**, No. 1: 172–177.
- Ikeda KI, R. S. (2009), "The impact of diversity in informal social networks on tolerance in Japan", **British Journal of Political Science**, No. 3: 655–668.
- Jahangiri, J., and Afrasiabi, H. (2011), "Study of Shiraz Families on the Factors and Consequences of Tolerance", **Applied Sociology**, No. 22: 153–177. (In Persian)
- Kafashi, M. (2011), "Structural Equation Modeling of Educational and Educational Indicators Affecting the Social Confidence of Tehranian Citizens in Islamic Azad University", **Quarterly Journal of Educational Management Innovations**, No. 2: 103–122. (In Persian)
- Kasmoo, M. A., Usman, A. H., Taha, M., Salleh, A. R., and Alias, J. (2015). "Religious Tolerance in Malaysia: A Comparative Study between the Different Religious Groups", **Review of European Studies**, No. 3: 184–191.
- Maslow, A. (1989), **Motivation and Personality**, Translated by A. Rezvani, Mashhad: Astan Quds Razavi. (In Persian)
- Mehdipour Khorasani, M. (2011), "A Comparative Study of the Level of Social Capital between Offenders and Non-Offenders in Yazd", MSc Thesis, Yazd University. (In Persian)
- Mesrabadi, J., Yarmohammadzadeh, P., and Feizi, Y. (2015), "Determining the Dimensions of National-Ethnic Identity and Comparing the Dimensions of Ethnic, National and Global Identities of Students of Different Ethnicities", **Journal of Intercultural Studies**, No. 10: 27–48. (In Persian)
- Mirlatifi, M. R., Alavizadeh, S. A. M., and Hedayati Amin, Kh. (2015), "Investigating Social Cohesion in Border Security with Emphasis on Ethnic-Religious Diversity, Case Study: Zabol City", **Regional Planning Journal**, No. 19: 57–70. (In Persian)

- Muller, J. W. (2007), "A General Theory of Constitutional Patriotism", **International Journal of Constitutional Law**, No. 1: 72–95.
- Muller, J. W. (2007), **Constitutional Patriotism: An Introduction**, Oxford University Press and Newyork University School of Law.
- Olthuis, J. H. (2012), "A Vision of and for Love: Towards a Christian Postmodern Worldview", **Koers-Bulletin for Christian Scholarship**, No. 1: 1–7.
- Phinny, J. S., and Ong, A. (2007), "Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Future Directions", **Journal of Counseling Psychology**, No. 3: 271–281.
- Putnam, R. (2001), **Democracy and Civic Traditions (The Italian Experience and Lessons for Transient Countries)**, Translated by M. T. Delfrouz, Tehran: Salam Publishing. *(In Persian)*
- Putnam, R. (2000), **The Dark Side of Social Capital**, In R. Putnam (Ed), *Bowling Alone*, New York: Simon Schuster.
- Reitzer, G. (2010), **Foundations of Contemporary Sociological Theory and its Classical Roots**, Translated by Sh. Mossammaparast, Tehran: Saless Publishing.
- Sahandi Khalifa Kennedy, M. (2014), **A Comparative Study of Social Cohesion between two Azeri and Kurdish Ethnicities in Sanandaj and Tabriz**, MA Thesis, Faculty of Social Sciences, Yazd University. *(In Persian)*
- Serajzadeh, S. H., Shariati Mazinani, S., and Saber, S. (2004), "Investigating the Relationship between Religiousness and Its Types with Social Tolerance", **Journal of Social Sciences**, Ferdowsi University of Mashhad, No. 1: 109–142. *(In Persian)*
- Shahriari, A., Khalili, M., and Akbari, H. (2015), "Measuring the Relationship between Social Capital and Religious Tolerance (Sample Research: Students of Ferdowsi University of Mashhad)", **Social Studies and Research in Iran**, No. 4: 1–31. *(In Persian)*
- Sharifpour, M. (2006), "Social Capital and its Role in Social and Economic Life", **Journal of Growth in Social Science Education**, No. 29: 10–16. *(In Persian)*
- Tollini, C. (2005), **Assessing Putnam's Theory of Social Capital Through the Use of Path Analysis**, Dissertation, Western Michigan University.
- Van der Noll, J. (2014), "Religious toleration of Muslims in the German Public", **International Journal of Intercultural Relations**, No. 38: 60–74.
- Whitham, M. M. (2007), **Living better Together: The Relationship between Social Capital and Quality of life in Small Towns**, MSc. Thesis, Iowa State University.